گزارش

فراگیری سرطان در کشور

● «بروز سرطان در کشور بالا نیست. متأسفانه یکی از بیماری‌هایی که مثل نقل‌ونبات بر زبان مردم جاری شده است و برای هشدار نسبت به یک بیماری از آن نام می‌برند سرطان است». پدر پزشکی جامعه‌نگر ایران در حالی بروز سرطان در کشور را بالا نمی‌داند که آماری که خود وی اعلام کرده است نشان از افزایش تعداد سرطان در کمتر از چهار سال اخیر دارد.

پروفسور محمداسماعیل اکبری، تعداد ابتلا به سرطان در کشور در سال را حدود ۱۴۷ نفر از هر صد هزار نفر جمعیت عنوان می‌کند. آذرماه سال ۹۳ معاون تحقیقات و فناوری وزیر بهداشت شیوع سرطان در کشور را در ازای هر صد هزار نفر، ۱۳۴ نفر اعلام کرد و آبان‌ماه سال ۹۵ نیز وزیر بهداشت در کنفرانسی تعداد مبتلایان به سرطان را تا همین حدود عنوان کرد و گفت: «از صد هزار ایرانی فقط ۱۳۵ نفر سرطان می‌گیرند». اما همین اعداد اعلام‌شده از سوی وزیر بهداشت و پروفسور محمداسماعیل اکبری در اعلامی که به معاونت درمان وزارت بهداشت داشته است، نشان می‌دهد در مدت یک‌سال از سال ۹۵ تا امسال که سال ۹۶ است، شیوع ابتلاع به سرطان از ۱۳۵ نفر به ۱۴۷ نفر در هر صد هزار نفر رسیده است.

البته آنچه مسئولان و وزیر بهداشت بر آن تأیید دارند، کم‌بودن میزان شیوع سرطان در کشور ایران نسبت به دیگر کشورها، کشورهای همسایه یا به‌ویژه کشورهای اروپایی است و نباید رشد ناگهانی ابتلا به سرطان در سال‌های اخیر را نسبت به گذشته نادیده گرفت. به گفته پروفسور اکبری، بروز سرطان در کشور ما پایین است؛ بدین معنی که تقریبا حدود ۱۴۷ نفر از صد هزار نفر جمعیت در یک سال، به سرطان مبتلا می‌شوند، بنابراین جای نگرانی از ابتلا به سرطان وجود ندارد. از طرف دیگر امروزه، امکانات علم تشخیص و درمان سرطان در کشور، پیشرفت قابل توجهی داشته و امکان معالجه خوب را فراهم کرده است. این فوق‌تخصص جراحی غدد و سرطان از دانشگاه جان‌هاپکینز آمریکا گفته است: «بنابراین خلاصه کلام این است که، اعلام کنم از سرطان نترسید، هم به‌دلیل تعداد کم آن در کشور و هم به‌دلیل اینکه امکان معالجه بسیاری از سرطان‌ها وجود دارد». این تعداد در مقایسه با کشوری مانند آمریکا می‌تواند بسیار ناچیز باشد زیرا آخرین آماری که در وب‌سایت جامعه سرطان آمریکا در هر روز به‌روز می‌شود، نشان می‌دهد از میان جمعیت بیش از ۳۰۰ میلیون‌نفری آمریکا در سال ۲۰۱۷ بیش از یک میلیون نفر به سرطان مبتلا شده‌اند و حدود ۶۰۰ هزار نفر در همین سال جان خود را بر اثر سرطان از دست داده‌اند و سرطان یکی از معضلات دنیای امروز است که همه کشورها به‌ویژه کشورهای پیشرفته با آن درگیر هستند و به‌طوری‌که کشورهای آمریکای شمالی، استرالیا، نیوزیلند، اروپای شمالی و غربی بیشترین مبتلایان سرطان را دارند. براساس گزارش روابط‌عمومی وزارت بهداشت از اتحاد کنترل بین‌المللی سرطان، همه‌گیری سرطان در جهان در حال افزایش است و حدود ۷۰ درصد از مرگ‌ومیرهای ناشی از سرطان در کشورهای کم‌درآمد و متوسط اتفاق می‌افتد. این درحالی است که اگرچه سرطان شایع‌ترین بیماری کشور و اولین علت مرگ نیست، اما قرارگرفتن در جایگاه سومین علت مرگ در کشور و دومین در بعضی استان‌ها زنگ هشدار و تأکیدی است بر آنچه به‌عنوان رشد ناگهانی سرطان در کشور بوده است؛ حتی اگر نخواهیم از آن به خواست و گفته وزیر به‌عنوان «سونامی سرطان»، در کشور نام ببریم.

گفت‌وگو با سعید مدنی قهفرخی

بدون فعال‌سازی جامعه مدنی، انتظار بهبود وضع زنان خطاست

غنچه قوامی: سعید مدنی‌قهفرخی، متولد ۱۳۴۱، جامعه‌شناس، نویسنده و فعال مدنی است. دکتر مدنی نویسنده کتاب‌هایی در زمینه مسائل و آسیب‌های اجتماعی ازجمله کودک‌آزاری در ایران (نشر اکنون)، خشونت علیه کودکان در ایران (نشر آشیان)، اعتیاد در ایران، (نشر ثالث)، آسیب‌شناسی حقوق کودکان در ایران (با تأکید بر کودک‌آزاری، نشر میزان)، جامعه‌شناسی روسپی‌گری (نشر کتاب پارسه)، ضرورت مبارزه با پدیده فقر و نابرابری در ایران (نشر آگه) است. وی همچنین در حوزه تغییرات اجتماعی نیز کتاب‌هایی را به تألیف درآورده یا ترجمه کرده است؛ ازجمله جماعت‌گرایی و برنامه‌های جماعت‌محور (نشر یادآوران)، روان‌شناسی و تغییرات اجتماعی (نشر دانژه)، جنبش‌های اجتماعی و دموکراتیزاسیون و زنان در جهان و ایران (نشر روزنه). به دلیل تحقیقات و نوشتار ایشان در زمینه آسیب‌ها و مسائل اجتماعی از یک سو و کنشگری و تغییر اجتماعی از سوی دیگر، با وی درباره استراتژی‌های مقابله با خشونت خانوادگی، نقش قانون و وظیفه دولت و جامعه مدنی برای کاهش خشونت به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

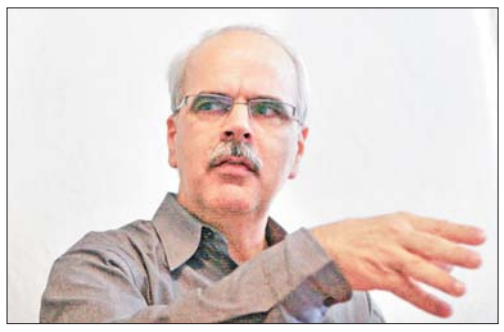

شما در تحقیقاتی که در زمینه آسیب‌های اجتماعی داشته‌اید، سهم خشونت خانگی را در پیدایش مسائلی مانند اعتیاد زنان یا تن‌فروشی چگونه می‌بینید؟ و بالعکس، این‌گونه آسیب‌ها چه تأثیری بر خشونت خانگی به‌ویژه علیه زنان دارد؟

ببینید وقتی درباره خشونت خانگی صحبت می‌کنیم، باید بدانیم راجع به پدیده‌ای بحث می‌کنیم که ابعاد بسیار گسترده‌ای در جامعه ایران دارد و شیوع آن نسبتا بالاست. در پژوهش‌های متعدد، خشونت شوهر نسبت به همسر در هر سه بُعد جسمی، روانی و جنسی گزارش شده است. این خشونت وقتی موجب شرمندگی بیشتر آقایان می‌شود که نسبت به گروه‌های خاصی از زنان در دوره‌های بحرانی مثل دوران بارداری اعمال شود. برای مثال، در تهران دامنه خشونت خانگی بسته به نوع خشونت، در حد فاصل ۳۵.۷ درصد تا ۸۱.۷ درصد زنان گزارش شده است. در تنها مطالعه کشوری که در سال ۱۳۸۳ از سوی آقای دکتر قاضی‌طباطبایی در مراکز ۲۸ استان انجام شد، شیوع حداقل یک بار تجربه خشونت در عمر زنان، ۶۶ درصد برآورد شد. شاید همین نتیجه و شرمندگی ناشی از آن بود که موجب شد در دولت احمدی‌نژاد، کل ۲۸ جلد گزارش خمیر شود تا کمتر در دسترس همگان قرار گیرد. بنابراین خشونت علیه زنان، به‌ویژه خشونت خانگی، منحصر به منطقه خاصی از کشور نیست. در اغلب مطالعات شیوع خشونت روانی نسبت به دیگر گروه خشونت‌ها، بیشتر است. شیوع آزار جنسی زنان باردار از ۱۳.۸ درصد در شهرکرد تا ۴۴.۶ درصد در مریوان و آزار جسمی از ۸.۵ درصد در سنندج تا ۳۴.۵ درصد در شهرکرد برآورد شده است. این اطلاعات را به تفصیل در کتاب زنان در ایران و جهان آورده‌ام.

مطالعات نشان می‌دهند سن زنان، تحصیلات، وضعیت شغلی و وضعیت اقتصادی از عوامل مهم و زمینه‌ساز خشونت خانگی هستند. پیامدها و آثار جبران‌نشدنی خشونت خانگی، بسیار وسیع است و شامل عوارض جسمی و روحی مانند جراحت (از بریدگی تا شکستگی و آسیب ارگان‌های داخلی)، حاملگی ناخواسته، بیماری‌های مقاربتی، نشانگان روده تحریک‌پذیر، سقط‌جنین غیرعمدی، بیماری‌های التهاب لگن، دردهای مزمن لگن و سردرد و تمایل به مصرف مواد، سیگار و الکل، خودکشی، افسردگی، ترس، اضطراب، مشکلات تغذیه‌ای، اختلالات جنسی، وسواس و اختلال سندرم پس از ضربه (PTSD) می‌شود. در واقع دوران چرخه خشونت و آسیب آغاز می‌شود؛ تقدم و تأخرشان هم تغییر می‌کند. بی‌کاری، فقر، نابرابری، تبعیض و اعتیاد زمینه‌ساز خشونت مردان علیه زنان می‌شود و پس از اعمال خشونت، زنان دچار ده‌ها مشکل و آسیب می‌شوند.

مؤثرترین راهکارها برای ریشه‌کن‌کردن این مسئله اجتماعی چیست؟ نقش جامعه مدنی و افکار عمومی چه می‌تواند باشد؟

همان‌طور که خشونت علیه زنان ابعاد فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و قضائی دارد، راه‌های مداخله برای کاهش خشونت علیه زنان هم تمام این ابعاد را شامل می‌شود. در واقع یک برنامه جامع خشونت علیه زنان باید همه وجوه تبعیض و نابرابری و علل و عوامل پدیدآمدن آن را مدنظر قرار دهد. به بخشی از مهم‌ترین استراتژی‌ها در این زمینه که در تجربه جهانی آثار مثبتی داشته است، اشاره می‌کنم:

● آگاهی‌بخشی درباره وجود مشکلات زنان استراتژی مهمی است. معمولا کلیشه‌های جنسیتی باعث می‌شوند تصور شود وضعیت تبعیض‌آمیز علیه زنان امری طبیعی و عادی است. استراتژی آگاه‌سازی این ذهنیت را در هم می‌ریزد. در بسیاری از کشورها، تجاوز شوهر به همسرش کاملا بی‌معنا است؛ یعنی تصور می‌شود شوهر در هر شرایطی با رضایت‌داشتن یا رضایت‌نداشتن زن می‌تواند با او هم‌خوابگی داشته باشد؛ درحالی‌که این رفتار بدون رضایت زن تجاوز محسوب می‌شود.

● استراتژی بعدی، بهبود دسترسی زنان به حمایت‌های اجتماعی است. زنان وقتی مورد خشونت قرار می‌گیرند، باید بتوانند به‌راحتی به مراجع قضائی، وکیل، خدمات بهداشتی و مراقبتی و دیگر خدمات حمایتی دسترسی داشته باشند. در کشورهایی مثل کوبا، اوگاندا، بنگلادش و سریلانکا در این زمینه تلاش‌های زیادی شده و نتایج و دستاوردهای مؤثری داشته است.

● استراتژی سوم، پاسخ‌گوکردن نظام حقوقی و سلامت در برابر زنان قربانی خشونت است. مشخص‌کردن اینکه اگر زنی تحت خشونت قرار گرفت، چه کسی مسئول چه کاری است؟ این استراتژی موجب می‌شود زنان درباره خدمات در صورت مواجهه با خشونت، اطلاعات لازم را کسب کنند.

● استراتژی چهارم تغییر کلیشه‌های جنسیتی است. بسیاری از هنجارها در روابط خانوادگی و اجتماعی مبتنی بر تبعیض است. الگوهای رفتاری شایع در بسیاری موارد علیه زنان و مشوق خشونت علیه آنان است. برهم‌زدن این کلیشه‌ها و تلاش برای تغییر آنها از اهمیت زیادی برخوردار است. مطالعات نشان داده‌اند دختران نمرات ریاضی خود را بسیار کمتر از نمره واقعی برآورد می‌کنند؛ زیرا آنها تحت تأثیر کلیشه مردانه‌بودن دروس و رشته ریاضی هستند. مطالعه‌ای در کرمان نشان داده بیشتر زنان عقاید قالبی درباره ضعیف، ناتوان، بی‌صلاحیت، احساساتی و غیرمنطقی بودن زنان دارند. اینها کلیشه‌هایی هستند که در میان خود زنان رایج‌اند و باید اصلاح شوند. کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه به‌شدت این کلیشه‌ها را تبلیغ و تأیید می‌کنند. همین کلیشه‌ها خشن‌بودن مرد در برابر تابع‌بودن زن را ترویج می‌کنند. با توجه به وجود اقوام و فرهنگ‌های مختلف در ایران، گاه از نظر فرهنگی و مطابق با سن و آداب و رسوم محلی، اجازه خشونت نسبت به زنان داده می‌شود؛ ازاین‌رو موارد قابل‌توجهی از قتل‌های ناموسی نیز هر ساله گزارش می‌شود. ناموس به معنای احترام، عزت، افتخار، شرافت، سربلندی، نیک‌نامی و برای زنان، به معنای پاک‌دامنی، عفت و نجابت است. زنانی که براساس آداب، رسوم و ارزش‌های قومی، قبیله‌ای و محلی رفتاری انجام دهند که مؤید سوءظن درباره پاک‌دامنی، عفت و نجابت‌شان باشد، مستحق خشونت و گاه مرگ می‌شوند. در برخی استان‌های کشور ازجمله خوزستان، کرمانشاه، کردستان و لرستان آداب و رسوم محلی، اجازه خشونت نسبت به زنان و در نتیجه همسرکشی به شوهران داده می‌شود. این جوامع گرایش دارند به جای مراجعه به دستگاه قضائی و قانون رسمی، خودشان کسانی را که از قواعد اخلاقی و عرفی اجتماع قبیله‌ای تخطی و سرپیچی می‌کنند مورد تنبیه و مجازات اعضای طایفه قرار دهند. در واقع، واکنش شدید احساسی در قبال تخطی از اصول اخلاقی در درون وجدان جمعی و اعتقادات و ارزش‌ها و احساسات مشترک گنجانده شده و قانون سرکوبگری در کانون این وجدان قرار دارد.

● استراتژی بعدی تغییر قوانین است. در این زمینه زیاد بحث شده و قوانین تبعیض‌آمیز و مروج خشونت علیه زنان، به‌خوبی شناسایی شده‌اند. جنبش زنان در این زمینه، اغلب فعال بوده است. اما تغییر قوانین باید هم‌زمان باشد با تصویب قوانین جدید. در نپال، سنتی وجود داشت که به موجب آن زنان در زمان قاعدگی و زایمان باید در طویله و محل نگهداری حیوانات، دور از دید مردم زندگی می‌کردند؛ زیرا تصور می‌شد از نظر مذهبی آلوده‌کننده و خطرناک هستند. دادگاه عالی نپال در سال ۲۰۰۵ حکمی علیه این سنت داد و آن را ممنوع کرد.

به نظر من، هر پنج استراتژی مورد اشاره مهم هستند و باید تا رفع کامل خشونت همه آنها مورد نظر قرار گیرند.

از اوایل دهه ۱۳۷۰ و با پایان‌یافتن جنگ عراق علیه ایران، زمینه‌های مساعدی برای رشد و برآمدن جنبش زنان فراهم شد. بهترین عامل یا زمینه، عبارت بود از فرایند نوسازی در قالب برنامه‌های توسعه که به افزایش سطح سواد، تحصیلات عالی، بهداشت و درمان زنان و دسترسی بیشتر به وسایل ارتباط جمعی مربوط بود؛ درعین‌حال این دوره هم‌زمان بود با شکوفایی جنبش زنان در سطح جهانی و تشویق دولت‌ها و ملت‌ها، برای تلاش به منظور بهبود وضع زنان که مجموعه شرایط، بستر مناسبی را برای فعال‌شدن جنبش زنان در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ فراهم آورد. افزایش تعداد سازمان‌های غیردولتی فعال در حوزه زنان، افزایش تعداد نشریات مرتبط با زنان و مسائل‌شان؛ گسترش ارتباطات داخلی و بین‌المللی زنان، تسهیل شرایط برای افزایش مشارکت اجتماعی زنان در هر دو بخش دولتی و غیردولتی و تغییر برخی قوانین، همه، زمینه مستعدی را برای تقویت و گسترش جنبش زنان فراهم آورد. در این دوران به‌تدریج جنبش زنان دریافت که آزادی و عدالت اجتماعی با دموکراسی پیوند وثیق دارد و در صورت دموکراتیک‌شدن ساختار سیاسی، پیگیری و تحقق سایر مطالبات همچون دیه و ارث برابر سهل‌الوصول‌تر خواهد بود. به‌هرحال برخلاف دهه‌های پیش که زنان از رضایت نسبی از وضعیت‌شان برخوردار بودند و تحت تأثیر کلیشه‌های جنسیتی رایج بین خواست‌ها و مطالباتشان و ساخت اجتماعی تعارضی نمی‌دیدند، به‌تدریج و با وقوع تغییرات اجتماعی عمیق، رشد فرهنگ سیاسی و اجتماعی و شکوفایی اندیشه‌های جدید، به‌ویژه به دنبال تبادلات اجتماعی - فرهنگی با دنیای خارج، گرایش به تغییر در میان زنان قوت گرفت که امروز در زوایای مختلف جامعه ایران، به‌ویژه جامعه زنان نمود یافته است. به نظرم جنبش زنان به طور خاص و جامعه مدنی به طور عام، می‌تواند نقش مؤثری در پیشبرد استراتژی‌های مورد اشاره داشته باشد.

شما یکی از استراتژی‌های مقابله با خشونت خانگی را تغییر قانون عنوان کرده‌اید، جرم‌انگاری و تصویب قانونی برای منع خشونت خانگی در ایران چقدر مؤثر است و اهمیت دارد؟

به نظر من هر اقدامی، از جمله تصویب قوانین علیه خشونت مؤثر است، اما نباید فقط منتظر تصویب قوانین بود. جامعه مدنی نقش و تأثیری به مراتب بیشتر از دولت دارد. به سرنوشت همین قانون منع استفاده از ماهواره نگاه کنید. درست است که قانون وجود دارد؛ اما هر بار تلاش برای اجرای آن با ناکامی مواجه شد. پس جنبش زنان و فعالان حامی توقف خشونت علیه زنان باید فراتر از تغییر قوانین دیگر، استراتژی‌ها را نیز دنبال کنند.

به تجربه تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۸۱ نگاه کنید. با وجود اینکه این قانون بنا داشت خشونت علیه کودکان را کاهش دهد اما با وجود تصویب، حتی برخی قضات از وجود آن اطلاع هم نداشته و ندارند. منظورم این است که تصویب قانون فقط گام اول و دوم است اما ترویج و تشویق و فشار برای اجرای قانون به همان میزان و حتی بیشتر اهمیت دارد. بازهم تکرار می‌کنم تصویب و تغییر قوانین بدون تردید مهم است اما مشروط به آنکه سایر استراتژی‌ها نیز در فرایند مبارزه با خشونت علیه زنان مورد توجه قرار گیرد.

در ایران که قانونی برای مقابله با خشونت خانگی به تصویب نرسیده است، قربانیان خشونت خانگی تمایل چندانی به گزارش خشونت و شکایت و پیگیری حقوقی نشان نمی‌دهند. با توجه به اینکه این مسئله در کشورهایی که قانونی برای منع خشونت علیه زنان دارند نیز صادق است (البته با شدت کمتر) فکر می‌کنید قانون چگونه می‌تواند متضمن حمایت از زنان خشونت‌دیده باشد و اعتماد آنها را برای مراجعه به مراجع قضائی جلب کند؟ به لحاظ جامعه‌شناختی چگونه می‌توان این مسئله را تشریح کرد و راه‌حلی برای آن برگزید؟

اشتباه نکنید زنان قربانی خشونت فقط به دلیل خلأ قانونی نیست که پیگیری حقوقی نمی‌کنند. بلکه دلیل مهم‌تر شاید این باشد که اعمال خشونت از سوی مردان علیه خود را امری خصوصی قلمداد می‌کنند، به این ترتیب علاوه بر مردان، زنان نیز کمتر مایل‌اند موضوع در محاکم قضائی مطرح یا ازسوی مراجع ذی‌ربط بررسی شود و برای کنترل و کاهش آن مداخله صورت گیرد.

ادامه در صفحه ۱۷

یادداشت

آزمون‌های استخدامی و تداوم بی‌کاری متخصصان

● **انصار امینی:** تقریبا در تمام کشورهای توسعه‌یافته، آزمون‌های استخدامی شغلی با آزمون‌های تحصیلی متفاوت‌اند و البته کشورهای توسعه‌یافته سال‌هاست به این نتیجه رسیده‌اند که مهارت‌های پایه و استعدادهای ویژه هر شغل، ویژگی‌های روانی-شخصیتی (مثلا توانایی، ناتوانی تعامل با جمع یا تندخویی) و تخصص در شغل مدنظر، اهمیتی بیش از آزمون‌های تحصیلی و عقیدتی دارد.

پیشینه اجرای آزمون‌های استخدامی در جمهوری اسلامی به اوایل دهه ۱۳۸۰ می‌رسد؛ از آن زمان به بعد، هرساله آزمون‌های استخدامی‌ای در دولت‌های مختلف انجام شده‌اند؛ به این صورت که فراخوانی داده شده است و بی‌کاران، برای ثبت‌نام این آزمون‌ها روانه شده‌اند. تازه‌ترین فراخوان، چهارمین آزمون استخدامی متمرکز دستگاه‌های اجرائی کشور است که حق ثبت‌نام آن ۳۳ هزار تومان است که امکان استرداد هم نیست؛ یعنی چون مبلغ باید در آغاز پرداخت شود و پس از پرداخت، روند ثبت‌نام شروع می‌شود، اگر متقاضی کار، از ادامه‌دادن منصرف شود، هزینه بازگردانده نخواهد شد.

به‌هرصورت، خبر آزمون استخدام، فوج تحصیل‌کردگان بی‌کار و ناامید را به سمت ثبت‌نام پیش برد. در این یادداشت، نگاهی به این آزمون خواهیم داشت. اولین نکته‌ای که توجه را جلب می‌کند، این است که مطالب دفترچه راهنمای آزمون یادشده، ۲۷۷ صفحه است که بیش از همه‌چیز، انتظام‌نداشتن و حجم زیاد آن به چشم می‌آید؛ طوری‌که مخاطب، کمتر حوصله کنکاش در آن را دارد؛ درصورتی‌که این بی‌نظمی در دفترچه می‌توانست به صورت اینترنتی و با جست‌وجوی کلیدواژه و رشته کسانی که می‌خواهند آزمون بدهند، آسان‌تر شود. از طرفی دیگر، در این استخدامی گفته شده که «تأمین سرمایه انسانی متخصص و متعهد» هدف این کار بوده است. البته پس از آن هم آمده که بومی‌بودن امتیاز دارد و یکی از شرایط بومی‌بودن، پرداخت چهار سال سابقه پرداخت حق‌بیمه در شهرستان متقاضی برای استخدام است. البته بند بعدی حتما سهمیه ایثارگران است. اگر از بحث بومی‌بودن و اینکه کسی که بی‌کار بوده است، چطور می‌تواند حداقل چهار سال حق‌بیمه پرداخت کند، بگذریم و همچنین بر سهمیه‌هایی که در دفترچه وضع شده است، مانند ادوار پیش صحه بگذاریم؛ اما نمی‌توانیم از ادعای «تأمین سرمایه انسانی متخصص و متعهد» عبور کنیم. به‌نظر می‌رسد اگر لفظ «متخصص» را قبل از «متعهد» آورده‌ایم، بایسته است که در کنار اختصاص‌دادن دو بخش سهمیه ایثارگران پنج درصد و بخشی دیگر ۲۵ درصد، قسمتی را هم برای نخبگان و متخصصان در نظر می‌گرفتیم؛ یعنی کسانی که در رشته خود بهترین هستند، ایده دارند و می‌توانند چرخ توسعه کشور را به جلو ببرند؛ اما چنین قسمتی در آزمون‌های استخدامی نیست! یعنی حداقل نشانه‌ای برای اثبات اینکه دستگاه‌های اجرائی به متخصصان بیش از متعهدان نیازمندند، وجود ندارد! کمترین کار این است که در آزمون‌های دیگر، برای تحقق شعار تأمین متخصص، بخشی برای نخبگان تعریف شود تا قبل از آزمون، رزومه و ایده‌های خود را برای دستگاه‌های مرتبط ارسال کنند. همین امر شعار امیدوارکننده یادشده را در حد همان شعار باقی می‌گذارد. مسئله دیگری که در آزمون استخدامی اخیر مغفول واقع شده است، بی‌نیازی به رشته علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و گرایش‌های تابعه آن به صورت خاص در وزارت امور خارجه و به شکل عام در دستگاه‌های اجرائی کشور است.

جدول ۲۸۶۱ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- مرحبا، آفرین- شعر- نیستی ۲- صاحب کار- از آثار استاد شهید مرتضی مطهری ۳- دریا - چو... می‌شدم گفتم که بردم گوهر مقصود- بتی در عصر جاهلیت- پیش درآمد آشغال ۴- سطل آبکشی از چاه- دستمال بزرگ که وسایلی را در آن می‌پیچند- اسب اصیل و تندرو ۵- دید و نظر- منزل آذری- بداخلاق ۶- برانگیختگی درونی- دل آزردگی- سرزمین ۷ - آپارتمان‌های مستقر در یک مجموعه مسکونی بزرگ- دفتر حساب روزانه- اتومبیل آلمانی ۸- تکرار حرفی از الفبا- یاری دهنده- همان سانتی‌متر است- بله شیرازی ۹- بوسه- شهرهای عرب- فیلمی ساخته مجید مجیدی ۱۰- جلادهنده کفش- زشت و ناپسند- وضع موجود ۱۱- دلیری- از اقوام ایرانی- مربوط به نبی ۱۲- فیلمی ترسناک و مشهور ساخته ویلیام فریدکین- زیبارو- سخنان بیمار تب‌دار ۱۳- داخل- دارای درجه بالاتر از استوار در ارتش- دود- مجرای خون ۱۴- نوشته‌ای که هنوز تنظیم نهایی نشده است- لیاقت ۱۵- لوکس- بی‌خردی - تندرستی.

عمودی:

۱- خارپشت استرالیایی- اسب سرکش- تحرک قلب ۲- آبستنی- تدبیرکردن ۳- کله- ضروری- آن‌گونه- دو دلی ۴- سود- ستاره دنباله‌دار- مدفن ناصر خسرو ۵- خاک- عنوان شاهزادگان دوره صفوی- از بیماری‌های عفونی خطرناک ۶- نوعی گلوله برای تمرین نظامی- سرمازا- شهری در برزیل ۷- پوششی برای زنان ایرانی در قدیم- سواره- قابل شنیدن ۸- شهری تاریخی بین اصفهان و نائین- اهرم جابه‌جایی اجسام سنگین ۹- عمومی‌تر- جست‌وجو و پژوهش- شهری در لرستان ۱۰- نازل شده در مدینه- عجله و تندی- جامه پشمی دست باف ۱۱- کشته‌شدن- تنه درخت- رایج و متداول ۱۲- شکوه و جلال- اسب سرکش- سوره زنان ۱۳- تکرارش دانه تند خوراکی است- سخنور- نوشتاری- آب دهان ۱۴- مکان خلوت و دور از نظر دیگران- دربه‌دری ۱۵- نشانه- گاو شخم‌زن- واحد پول مالزی.

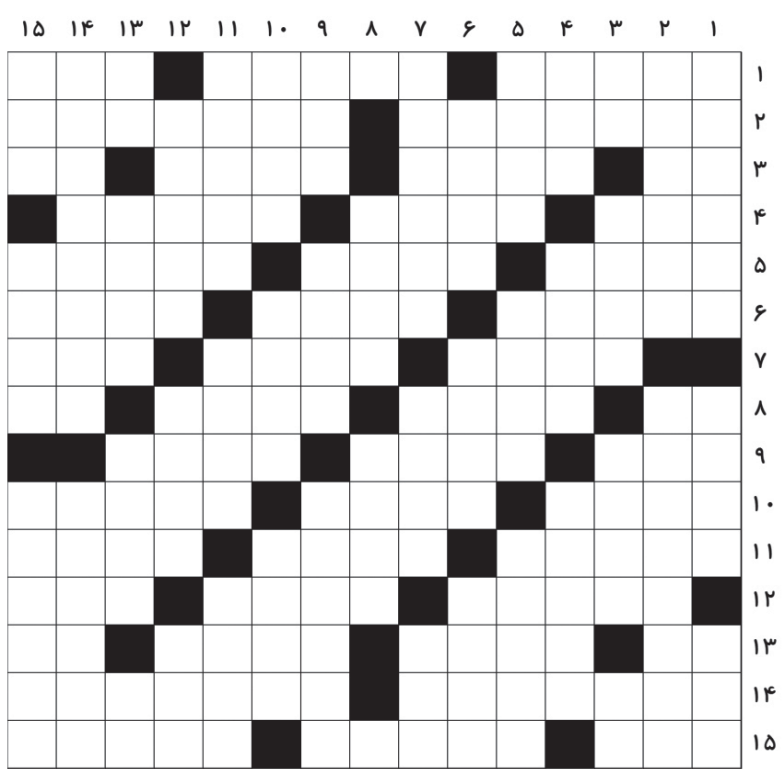

حل سودوکو سخت

۳	۸	۱	۶	۴	۲	۷	۵	۹
۹	۴	۲	۳	۵	۷	۶	۸	۱
۶	۷	۵	۱	۸	۹	۲	۴	۳
۱	۹	۳	۵	۷	۴	۸	۶	۲
۵	۲	۷	۸	۶	۳	۱	۹	۴
۴	۶	۸	۲	۹	۱	۳	۷	۵
۸	۳	۹	۷	۲	۵	۴	۱	۶
۷	۱	۴	۹	۳	۶	۵	۲	۸
۲	۵	۶	۴	۱	۸	۹	۳	۷

حل سودوکو ۱۸۵۶

۴	۲	۳	۱	۶	۵	۸	۹	۷
۹	۸	۶	۲	۷	۴	۱	۳	۵
۱	۵	۷	۹	۸	۳	۴	۲	۶
۷	۶	۸	۴	۱	۹	۳	۵	۲
۵	۹	۲	۷	۳	۸	۶	۱	۴
۳	۴	۱	۵	۲	۶	۷	۸	۹
۶	۳	۴	۸	۵	۲	۹	۷	۱
۲	۱	۹	۳	۴	۷	۵	۶	۸
۸	۷	۵	۶	۹	۱	۲	۴	۳

جدول ۲۸۶۰

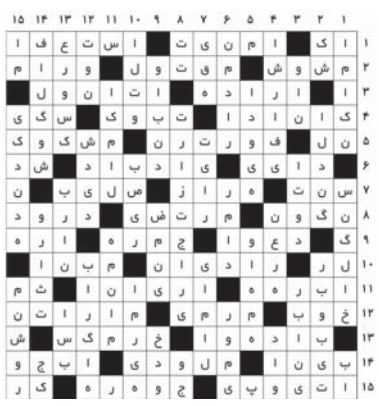

سودوکو سخت ۱۸۵۷

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

				۹		۶		۳
		۷	۸			۴		۱
	۳	۹		۵	۴			
	۷						۶	۲
	۶	۲	۹					
۸		۱				۵		
				۷	۸		۲	۶
۵			۴				۸	
					۹		۴	۵

سودوکو ۱۸۵۷

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

	۸	۷		۶	۹			۵
		۱		۷	۵	۶		۲
۹	۵		۲			۸		۷
۷				۳	۸		۲	
			۶	۲	۱		۴	۳
۶			۴		۷	۱		
		۳	۵	۴	۲	۹		
۴		۹		۸	۳			
		۸	۱	۹				